

امام صادق (ع) در مناظرات آموزگار اخلاق و ادب بودن

مذهب شیعه با فقه امام صادق شناخته می‌شود. ما را جعفری می‌گویند به این علت که عمده روایات فقهی که به دست ما رسیده است از وجود امام جعفر صادق (ع) بوده است.



مذهب شیعه با فقه امام صادق شناخته می‌شود. ما را جعفری می‌گویند به این علت که عمده روایات فقهی که به دست ما رسیده است از وجود امام جعفر صادق (ع) بوده است.

خبرگزاری مهر- گروه دین و اندیشه- عصمت علی آبادی: امروز ۲۵ شوال سالروز شهادت صادق آل محمد (ص) رئیس مذهب شیعه جعفری است. امام جعفر صادق علیه السلام در سن ۲۱ سالگی به امامت رسید و مدت امامت آن حضرت ۳۴ سال و طول عمر ایشان ۶۵ سال بوده است. امامت امام صادق (ع) همزمان با سال‌های پایانی حکومت امویان و سال‌های آغازین حکومت عباسیان بود. از آنجا که حکومت بنی امیه در این سال‌ها رو به ضعف و سقوط می‌رفت و بنی عباس نیز استقرار پیدا ننموده بودند و در ابتدای حکومت خود منش سرکوب را نداشتند، به امام صادق علیه السلام فرصتی دست داد که نهضت علمی و فرهنگی بزرگی را شروع نماید و پایه‌های علمی مکتب شیعه را محکم کند.

حجت الاسلام والمسلمین سید محمدباقر علم الهدی استاد حوزه و دانشگاه در گفت‌وگو با خبرنگار مهر، اظهار داشت: در اصول و تعالیم دینی ما نقش رهبر، امام و مقتدا به عنوان نقش تأثیرگذار و تعیین کننده می‌تواند در فرایند سعادت انسان‌ها تأثیر بسزایی داشته باشد. وجود مقدس امام صادق (ع) به عنوان رئیس مذهب شیعه در حقیقت چهره و شخصیتی است که در ابعاد مختلف علمی و رشته‌های گوناگون دانش به خصوص در فقه، اصول و کلام سرآمد همه دانشمندان و فقهای زمان خود و همیشه تاریخ بوده است، امام صادق (ع) با منظومه فکری که در بین امت اسلام ایجاد کردند در حقیقت روش فهم آیات قرآن و دریافت حقیقت سخنان پیامبر (ص) و همچنین روش اجتهاد و شیوه استنباط در احکام دین را به تاریخ امت اسلام معرفی کردند و آموزش دادند. وجود مقدس امام صادق (ع) در مدیریت جامعه همواره به مقامات و مناصبی توجه داشتند که در ایجاد آرامش و امنیت فکری در جامعه نقش بسیار تأثیرگذاری داشته است. به عنوان مثال جایگاه معلمی از نظر امام صادق (ع) بسیار ویژه است. وقتی که امام صادق (ع) یکی از فرزندان خود را به دست معلم و آموزگاری سپردند که در خصوص مسائل دینی تعلیم داشته باشد، یکی از اساتید نزد امام صادق (ع) آمدند و فرمودند که فرزند شما توانسته است سوره توحید را از حفظ بخواند، امام صادق (ع) فرمودند اگر دهان این معلم را پر از طلا و جواهر کنیم کم است؛ زیرا توانسته است در رشد و تربیت یک انسان تأثیر بسزایی داشته باشد.

وی در خصوص نقش حاکم و قاضی اظهار داشت: امام صادق (ع) برای جامعه اسلامی با برنامه ریزی و برای آینده سلامت فکری و روحی مردم حکام خاصی را تعیین می‌کردند، تعیین قاضی و حاکم از جانب حضرت با وجود اینکه حضرت در شرایط تقیه و در محاصره مأموران بنی عباس بودند این کار عبث و بیهوده ای نبوده است اگرچه شاید آن قاضی به خاطر مأموران بنی عباس نمی‌توانست در مسند قضاوت ایفای نقش کند اما امام صادق (ع) آینده جامع اسلامی را می‌دیدند و بر همین اساس خود را موظف می‌دیدند که برای مردم قاضی یا حاکمی را تعیین کنند که در بزنگاه‌ها شیوه تشکیل حکومت اسلامی را نشان دهد. این نکته بسیار مهمی است که آن حضرت با انتخابگری خود شرایط قاضی و حاکم را به مردم معرفی می‌کردند تا مردم بدانند چه کسی می‌تواند به عنوان حاکم یا قاضی در جامعه ایفای نقش کند.

این استاد حوزه و دانشگاه درباره جایگاه علمی حضرت گفت: آوازه علم و دانش امام صادق (ع) در بین مردم چنان گسترده شده بود که از همه طوایف برای استفاده از علم ایشان به حضرت مراجعه می‌کردند حتی از رهبران سایر مذاهب اسلامی افرادی همچون ابوحنیفه، مالک ابن انس، احمد ابن حنبل شاگرد امام صادق بودند و ایشان را معتبرترین و موثق ترین انسان‌ها می‌خوانند. مالک ابن انس می‌گوید من در علم، عبادت و پارسایی بهتر از امام صادق (ع) را هرگز ندیدم و هرگز گوش من به کسی که با فضیلت تر از جعفر بن محمد باشد سخنی شنیده است یا ابوحنیفه در یکی از سخنان خود می‌گوید که امام صادق آگاه ترین مردم نسبت به مسائل فقه، معضلات و مشکلات و علوم مختلف هر زمان است. سپس می‌گوید اگر دو سال شاگردی من در محضر امام صادق (ع) نبود هر آینه من هلاک شده بودم. آوازه علم امام صادق (ع) چنان وسیع و گسترده بود که دشمنان امام صادق او را وارث پیامبر می‌خواندند و مجبور می‌شدند در برابر مردم احترام ویژه‌ای به ایشان داشته باشند؛ لذا در میان شیعیان مذهب شیعه با فقه امام صادق شناخته می‌شود. ما را جعفری می‌گویند به این علت که عمده روایات فقهی که به دست ما رسیده است از وجود امام صادق (ع) بوده است؛ دلیل هم این بوده که در گذر حکومت از بنی امیه به بنی عباس و واسپاری آن فرصت بسیار ارزشمندی ایجاد شد که امام صادق با باز کردن درب منزل خود بیش از ۴ هزار شاگرد را در رشته‌های مختلف پرورش دادند و توانستند شاگردان مبرزی را در علوم مختلف تربیت کنند.

علم الهدی در زمینه صفات اخلاقی امام صادق (ع) عنوان کرد: در صفات اخلاقی سرآمد همه انسان های زمان خود و پس از آن بودند، علم، تقوا، اخلاص، دوراندیشی عقل، خدمت به مردم، ایثارگری، دراز کردن دست برای گرفتن دست های افتاده و رفع نیازهای مردم از ویژگی ها و خصایص اخلاقی آن حضرت بوده است و آن حضرت را نسبت به سایر افراد ممتاز می کرده است لذا کلاس درس امام صادق (ع) صرفاً کلاس درس نبوده است در کنار درس آموزش اخلاق و معرفت در سرلوحه سخنان و فرمایشات امام صادق (ع) وجود داشته است. امام صادق (ع) مناظرات بسیار زیادی را با رؤسای سایر مذاهب انجام دادند اما در کنار این مناظرات آموزگار اخلاق و ادب برای تمام حضار اعم از موافقان و مخالفان خود بودند. هر کس که امام صادق را می دید مجذوب اخلاق ایشان می شد. هر کس منطق ایشان را در فقه، اصول، رجال، کلام، تفسیر، پزشکی، شیمی، فیزیک و سایر علوم مشاهده می کرد مجذوب ژرفای معلومات آن حضرت می شد؛ لذا حضرت شاگردانی را در همه علوم داشتند در کنار مباحثی که مطرح می شود که آن حضرت در فقه اصول طب نجوم زیست شناسی رجال کلام و سایر علوم شاگردان میرزی را تربیت کردند.

وی افزود: زمان حیات امام صادق (ع) عصر ظهور فرقه و مذاهب الحادی بوده است، شبهات زیادی بر علیه اسلام و قرآن توسط فرقه ها و مذاهب الحادی تولید و در میان مردم رواج پیدا می کرد، امام صادق (ع) مبارزه با انحرافات و شبهه افکنی ها را در سرلوحه کار فرهنگی خود قرار دادند، ملحدان و خدا گریزان در دوره امام صادق (ع) فعالیت وسیع و گسترده ای را داشتند نمونه آنها مثل ابن ابی العوجا، ابوشاکر دیصانی، ابن مقفع، ابن طلوت، افراد تأثیرگذاری در جامعه آن زمان بودند که امام صادق (ع) همچون سدی استوار مقابل شبهات این افراد ضدمذهب می ایستادند و اجازه نمی دادند افکار مسموم آنها در میان جامعه پخش شود؛ لذا در عصر امام صادق فرقه هایی مثل زیدیه و کیسانیه مجال بروز و ظهور پیدا کردند اما امام صادق (ع) با مناظراتی که با رؤسای زیدیه و کیسانیه کردند توانستند عده زیادی از آنها را به راه راست برگردانند. با غالیان و افرادی که اندیشه های غلو و افراطی داشتند حتی در میان افراطیان منتسب به مذهب شیعه؛ امام صادق (ع) با منطق و برهان با آنها مناظره و آنها را مجذوب منطق و استدلال های خود می کردند. در کنار اینگونه کارهای کلامی که آن حضرت انجام می دادند بخش عمده ای از فرصت های علمی امام صادق (ع) صرف حل مسائل فقهی می شد، همه فقهای چهارگانه مذاهب اسلامی شافعی ها، حنفی ها، مالکی ها، همه خود را مدیون امام صادق (ع) می دانستند. ابوحنیفه می گوید اگر جعفر بن محمد (ص) نبود مردم به مناسک حج آگاه نمی شدند، گویا چه او امام صادق (ع) را مجری و اجرا کننده احکام حج معرفی می کردند.

این استاد حوزه و دانشگاه بیان داشت: امام صادق (ع) روش اجتهاد و شیوه استنباط در احکام دین را به یاران خود آموزش می دادند، یکی از شاگردان او به نام عبدالاعلی بن یزید کلبی به محضر امام صادق (ع) وارد شد و از ایشان درباره مسح بر محل زخم در وضو یا همان وضوی جبیره را سوال کرد امام صادق علیه السلام وضو گرفتن را به او آموزش دادند، درباره حج و مسائل متفاوتی که در ابواب مختلف قضا، جهاد، شهادت، تجارت، مسائل طهارت و نجاست همه در حقیقت بخشی از فعالیت های علمی و فقهی آن حضرت است که امروز امت اسلام از بیانات آن حضرت بهره برداری و استفاده می کنند. امام صادق (ع) در کنار فقه و اصول روش اجتهاد را به شاگردان خود آموزش دادند، به عنوان مثال در آموزش استصحاب روایاتی که به ما رسیده است عمده از امام صادق (ع) بوده است، در باب برائت مباحث بسیار عمیق و وسیعی داریم که امروز فقهای ما با استناد به فرمایشات امام صادق قواعد و اصول عملیه را برای استنباط احکام شرعی از آن استفاده می کنند، فرمایشات امام صادق (ع) در حقیقت یک پیام بسیار ارزشمندی را برای فقها و مجتهدان به ارمغان داشت که باب علم را برای امت اسلام باز می کرد لذا فقه شیعه و جعفری پویا است و باب علم را منسد نمی داند همانگونه که اهل سنت باب فقه و علم و مسائل مستحدثه را منسد می بینند و می گویند چون ما نمی توانیم استنباط کنیم پناه به قیاس و hellip می برند اما فرمایشات امام صادق (ع) در اصول به عنوان ابزار استنباط در اختیار فقهای ما قرار داده است باب علم را به روی انسان ها باز می کند و اجازه می دهد که یک فقیه استنباط کند و تنقیح مناط داشته باشد و در مسائل مستحدثه به عنوان حکم ظاهری فتوایی را به مکلفان ارائه نماید.

وی گفت: وقتی در فقه جعفری استنباط باب احکام را مفتوح دیدیم آن زمان هر فقیهی می تواند در ارتباط با مسائل مستحدثه نوآوری داشته و احکام جدیدی را پدید بیاورد وقتی باب استنباط مفتوح باشد محدودیتی برای استنباطات یک فقیه ایجاد نمی شود. به تعبیر دیگر هر فقیهی برای خود رسالتی می بیند که در حقیقت اگر در علم و دانش او ابهامی وجود داشته باشد آنها را برطرف کند، امام صادق (ع) حتی در زمان خود به شاگردان خود توصیه می کردند که وقتی دسترسی به امام معصوم ندارید خود احکام را استنباط کنید و بر مبنای نظر خود عمل و استنباط های خود را به دیگران هم منتقل کنید. ایشان به دیگران هم اجازه داده بودند که اگر آنها هم به امام معصوم دسترسی ندارند به فقیهانی که به این توانمندی استنباط رسیده بودند مراجعه کنند و از آنها فتوا بگیرند و عمل کنند و در یک مسیر بسته باقی نمانند. اجازه ای که امام صادق (ع) به فقهای زمان خود دادند در حقیقت فقه شیعه را از بن بست خارج کرد و فقه شیعه را در زمان و مکان شناور قرار داد، شخصی نزد امام صادق (ع) آمد و گفت من داشتم می رفتم زمین می خوردم ناخن من از دست من جدا شد اکنون دست خود را بستم حالا می خواهم وضو بگیرم چگونه بگیرم امام صادق فرمودند حکم آن را از قرآن و استنباط استفاده کردند آنجا که قرآن می فرماید ما در دین شما هیچ حرج و بن بستنی قرار ندادیم، بر همان دارویی که بر روی دست خود گذاشتید بر همان مسح کن و وضوی تو درست است. اینجا امام صادق به قاعده اصلی فقهی را به این آقای سائل آموزش می دهند. حضرت با این قاعده راه استنباط احکام و روانسازی احکام را به این

شاگرد خود آموزش می دهند. قاعده فقه شیعه در قرآن وجود دارد که پرکاربرد می شود و فقیه می تواند در همه جا از آن استفاده کند، لذا باب علم در فقه شیعه بسته نیست فقیه می تواند با استنباط و استفاده از آیات و روایات احکام مستثنا را به بهترین شکل استنباط کرده و فتوا بدهد.